

سند مصوب شورای عالی فضای مجازی به نفع و ضرر چه کسانی است؟

منطق بازاری یک مصوبه

موافقان به جریان می‌افتند

دو روز بعد و پس از این مخالفت، موافقان سند مصوب ۲۳ بهمن وارد جریان می‌شوند: «انجمن ناشران دیجیتال کتاب و انجمن ناشران دیجیتال حوزه کودک و نوجوان و انجمن ناشران دیجیتال اسلامی ضمن استقبال از تصویب «سند سیاست‌ها و الزامات تعرفه‌گذاری ترافیک شبکه و تسهیم درآمد محتوا» توسط شورای عالی فضای مجازی، حمایت خود را اجرای از این سند به‌عنوان گامی مؤثر در راستای توسعه زیست‌بوم محتوای دیجیتال بومی اعلام می‌دارند.» انجمن ناشران دیجیتال در نامه خود می‌گوید: «این سند می‌تواند با بازتوزیع عادلانه درآمدهای حاصل از ترافیک اینترنت به تولیدکنندگان کمک کند.» در گوشه مهمی از نامه، انجمن ناشران به صورت غیرمستقیم، واکنش

پلتفرم‌ها به موضوع مصوبه ۲۳ بهمن شورای عالی فضای مجازی را مورد انتقاد قرار می‌دهد: «بازار محتوای دیجیتال ایران در دهه گذشته شاهد تمرکز عمده درآمد در دست اپراتورها و سکوها‌ی بزرگی بوده است که نقش کمتری در خلق و انتشار محتوای باکیفیت دارند. این امر منجر به کاهش کمیت و کیفیت تولیدات داخلی و گرایش برخی فعالان به تولید محتوای کم‌ارزش برای افزایش ترافیک شده است.» این بند از نامه انجمن ناشران دیجیتال همه‌چیز را پیچیده می‌کند. چطور ممکن است تصویب یک مصوبه به هم از طرفی جلوی انحصار را بگیرد و از طرفی دیگر باعث انحصار بشود؟ اصلاً حرف و جان کلام مصوبه ۲۳ بهمن چیست؟ این سند از کجا آمده؟

سند ۲ ماهه است یا ۹ ساله؟

نام مصوبه ۲۳ بهمن ششورای عالی فضای مجازی، «سیاست‌ها و الزامات تعرفه‌گذاری ترافیک شبکه و تسهیم درآمد محتوا» است یا به اختصار تسهیم درآمد محتوا. این مصوبه قرار است چه کار کند؟ قرار است قوانینی را بر اکوسیستم تولید محتوای مجازی در کشور اجرا کند که ترافیک داخلی از نظر اقتصادی ارزشمندتر از ترافیک بین‌الملل بشود. چطور؟ با سه قاعده مهم:

■ تعرفه‌گذاری (روی ترافیک مصرفی) عمده‌فروشی و خرده‌فروشی توسط کمیسیون تنظیم (که مسئولیت قیمت‌گذاری را بر عهده دارد) به نحوی که برای کاروران (همان سکوها و اپراتورها) سود حاصل از فروش ترافیک بین‌الملل بیشتر از سود حاصل از فروش ترافیک داخلی نباشد و افزایش مصرف ترافیک داخلی نسبت به ترافیک بین‌الملل برای کاروران ارجحیت داشته باشد.

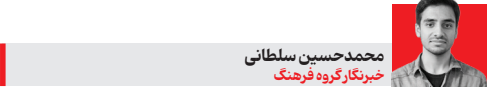
■ حق‌السهم دولت ناشی از درآمد ترافیک داخلی تا سقف ۵۰ درصد کاهش می‌یابد، مشروط به انجام تعهدات توسعه‌شبهه ملی اطلاعات.

■ پول حاصل از ترافیک بین‌الملل کاروران، به صورت سپرده در اختیار شرکت ارتباطات زیرساخت قرار گیرد و این شرکت بر اساس شیوه‌نامه مصوب کمیسیون عالی محتوا، به صورت صدردصد تخصیص یافته به بدون اختیار تصرف در آن به حساب‌های مصوب این کمیسیون واریز کرده و در اختیار صندوق‌های فناوریانه و معاف از مالیات – دارای مجوز معاونت علمی فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری و مورد تأیید مرکز ملی فضای مجازی – به عنوان کارگزار مالی قرار می‌گیرد.

خلاصه این سه مورد می‌شود: از پلتفرم‌ها و بسیاری از بسترهای دیگر بر اساس ترافیک بین‌المللی مصرفی‌شان پولی دریافت می‌شود و آن پول به صندوق می‌رود که قرار است به تولیدکنندگان بومی محتوا کمک کند. مثالی می‌شود؛ شما وقتی با فیلترشکن به یک پلتفرم داخلی بروید یا از یک بستر خارجی محتوایی خارجی بازدید کنید یا در خارج از کشور باشید و بخواهید از یک محتوای داخلی بازدید کنید، اپراتور و پلتفرم داخلی باید بابت این موضوع درصدی را به وزارت ارتباطات پرداخت کند. از طرفی دولت هم سهم خود را از ترافیک داخلی کم می‌کند که هم ارزان‌تر شود و هم پلتفرم‌ها و تولیدکنندگان محتوای تشویق شوند که روی بستر داخلی سرمایه‌گذاری کنند. حالا پلتفرم‌ها چرا با این موضوع مخالف هستند؟ آن‌ها که عمده مخاطبانشان داخلی است؟ دو نکته در این بین وجود دارد.

■ موضوع اینجاست که سندر روی تمام اکوسیستم اثرگذار است و به خصوص روی پلتفرم‌های بزرگ. کارشناسان حوزه ارتباطات می‌گویند، این سند به صورت خود به خود، باعث می‌شود پلتفرم‌ها و اپراتورها هزینه‌ای که به خاطر ترافیک بین‌الملل پرداخت می‌کنند را از سسنت کار بر جبران کنند. همین باعث می‌شود هزینه‌های اشتراک‌های پلتفرم‌ها و اپراتورها افزایش پیدا کند. البته نکته اینجاست که مدافعان سند می‌گویند با کاهش ۵۰ درصدی سهم دولت، عملاً اثر این موضوع روی بازار بی‌تأثیر می‌شود که البته خود این موضوع محل بحث‌های بسیاری است.

■ نکته بعدی اثری است که سند با جمع‌آوری قدرالسهم قرار است روی اکوسیستم بگذارد. بر اساس برآورد اولیه پولی باقی ۱۰



محمدحسین سلطانی
وزیرنگارگروه فرهنگ

بیست و سوم بهمن ۱۴۰۳ سندی را ششورای عالی فضای مجازی تصویب می‌کند. شورایی که ریاست آن را رئیس جمهور بر عهده دارد. سند تصویب شدن تازه‌ای نیست. پزشکیان مصوبه را تأیید می‌کند و خرداد ماه مصوبه ابلاغ می‌شود. درون سند نوشته شده: «وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است حداکثر یک ماه پس از ابلاغ این سند، از طریق شرکت ارتباطات زیرساخت اخذ حق‌السهم محتوا از کاروران (سکوها‌ی ارائه‌دهنده خدمات) را آغاز کند.» خلاصه اینس چند خط یعنی پولی را اپراتورها و پلتفرم‌ها باید به دولت بپردازند. مصوبه که ابلاغ می‌شود، می‌خورد به جنگ. همه‌چیز به حاشیه می‌رود. آتش‌بس اعلام می‌شود. چند هفته بعد از جنگ و در ۲۴ تیرماه، اولین واکنش به سند تسهیم روی خبرگزاری‌ها قرار می‌گیرد، درست یک ماه و چند روز پس از ابلاغ سند. واکنش، یک نامه است با ۳۰ امضا. نام چند اپراتور (البته نه اپراتورهای اصلی) و همه پلتفرم‌های مهم نمایش

بگویید ناظر کیست؟

یکی دیگر از مسائلی که ۳۰ سکوی امضاکننده به رئیس جمهور آن را مطرح می‌کنند، موضوع ناظری است که قرار است فرایند گرفتن قدرالسهم و توزیع آن را انجام دهد. درون سندند آمده وظیفه جمع‌آوری و توزیع قدرالسهم با شرکت ارتباطات زیرساخت (شرکت مادر مخابرات) است و از طریق این شرکت هزینه‌های جمع‌آوری شده به صندوق‌های مورد تأیید معاونت علمی رئیس جمهور می‌رود. خب مشکلش چیست؟ پلتفرم‌ها مسئله‌شان این است که این هزینه و درآمد باید به دست صنف برسد و باید از طریق انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئوی آنلاین و سایر اصناف مربوطه توزیع شود و نه از طرف یک نهاد بیرونی. تا اینجا کار مسئله اصلی پلتفرم‌ها در دو محور خلاصه می‌شود: اول اینکه ناظر باید با بنسیم و دوم آنکه پول‌ها کجا می‌رود؟

مسئله نظارت روی پلتفرم‌ها بالاخره در دست کیست؟

با توجه به سند تسهیم، شرکت ارتباطات زیرساخت و سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات و خدمات رادیویی باید روی پلتفرم‌ها نظارت کند و درآمدها را از آن‌ها جمع‌آوری کند و عملاً یک نهاد واسطه خواهد بود میان پلتفرم‌ها و اپراتورها. با این قرارداد عملاً بسیاری از توافقات میان پلتفرم‌ها و اپراتورها دست‌خوش تغییر می‌شود و همین موضوع مشکلاتی را برای پلتفرم‌های بزرگ پدید خواهد آورد. همچنین پلتفرم‌هایی که در فکر ایجاد ارتباط با تولیدکنندگان و سکوها‌ی خارجی هستند، با این سند دچار چالش‌های جدی در قرارداد با خارجی‌ها و دریافت ترافیک بین‌الملل خواهند شد. با این همه، شاید قابل تأمل‌ترین خدغدغه‌ای که پلتفرم‌ها در این بین داشته

مسئله اصلی در اجراست

طی ۱۰ سال اخیر بیش از ۱۰ سند مختلف در کشور به تصویب رسیده و همه آن‌ها وقتی به جامه اجرا می‌رسند، دچار نقص می‌شوند. موضوع اصلی سند تسهیم محتوا هم دقیقاً بر سر نحوه اجرای آن است. آنچه روی کاغذ به نظر می‌رسد، چندان مسئله جدی‌ای با این سند نباید پی بباید و عملاً برای تمام موضوعات راهکاری دیده شده است، با این حال در مقام اجرا همه چیز متفاوت است. سند باید معلوم شود بر اساس کدام اولویت‌بندی قدرالسهم حاصله را می‌خواهد توزیع کند. آیا بوجه قرار است بین پلتفرم‌های دولتی و شبه‌دولتی بچرخد یا

خانگی روی این نامه نوشته شده. نامه چه می‌گوید؟ «سند مصوب ۲۳ بهمن ۱۴۰۳، طرحی نادرست و پیچیده است.» در جایی دیگر از نامه می‌نویسند: «نحوه جمع‌آوری درآمد از اپراتورها، انتقال آن به صندوق‌های مختلف و تخصیص سسلیقه‌ای منابع، به‌وضوح منجر به بروز رانت، فساد و انحصار در صنعت محتوا خواهد شد.» یا در گوشه‌ای دیگر: «این سند نه تنها به رشد صنعت کمک نمی‌کند، بلکه اگر همان‌طور که طراحی شده اجرائی شود، باعث تضعیف، رکود و بی‌اعتمادی در اکوسیستم تولید و انتشار محتوای کشور خواهد شد.» یا در جایی: «راهکارهایی که در این سند مطرح شده، هیچ‌گونه ارزش افزوده‌ای برای بهبود وضعیت موجود ندارند و حتی به‌وضوح به ایجاد مشکلات بیشتر در این صنعت منجر خواهد شد.» نامه کوتاه است و در حدود ۲۴۰ کلمه. ۲۴۰ کلمه‌ای که سند مصوب روز بیست و سوم بهمن ماه را از بیخ و بن زیر سؤال می‌برد و بند پایانی آن خواسته‌اش را این‌طور بیان می‌کند: «خواستار توقف کامل این سند و طراحی روشی ساده، شفاف و مؤثر هستیم که با مشارکت اصناف مرتبط، به تقویت و پویایی صنعت محتوای کشور منجر شود.»

نکته‌ای که درباره پیچیدگی سند توسط پلتفرم‌ها مطرح شد، دقیقاً ناظر به همین دو محور است. آن‌ها شرکت ارتباطات زیرساخت را به عنوان یک ناظر نمی‌خواهند ببینند و از طرفی با ورود یک نهاد بیرونی به فرایند حساسی‌ری‌ها، ممکن است اطلاعات و داده‌های پلتفرم‌ها به بیرون درز کند و آن‌ها مجبور به شفاف‌سازی ترافیک‌ها، میزان مخاطبان و سایر درآمدهایی بشوند که در طول سال کسب می‌کنند. موضوع به همین جا خلاصه نمی‌شود. اگر پول‌ها به دست رقیب برسد یا توزیع سر مایه باعث شود و یک‌سری پلتفرم‌های کوچک پایگیرند و صنعت را بر هم بزنند، آن وقت پلتفرم‌هایی که با سرمایه‌های کلان شرکت‌های دولتی بالا آمده‌اند مجبور می‌شوند به رقیبانشان از جیب خود کمک کنند که این موضوع بنا بر قول سرتیپی بازار را به هم می‌زند.

باشند مسئله وجود چند ناظر مختلف بر صنعتشان است. از طرفی وظیفه رگولاتوری را ساستا بر عهده دارد، از طرف دیگر بخشی از نظارت مالی بر پلتفرم‌ها بر عهده سازمان تنظیم مقررات قرار می‌گیرد و برخی نهادها مانند وزارت ارشاد و سازمان امور مالیاتی هم روی پلتفرم‌ها نظارت‌های دیگری را اعمال می‌کنند. این موضوع باعث سردرگمی شده و پلتفرم‌ها را با این مواجه کرده است که دقیقاً باید به کدام نهاد پاسخگو باشند. به نظر می‌رسد مشخص تر شدن سازوکار اعمالی بر پلتفرم‌ها و تجمیع نهادهایی که پلتفرم‌ها باید به آن‌ها پاسخگو باشند، این صنعت را از پلاتکلیفی کنونی خارج و جلوی بسیاری از بهانه‌ها را بگیرد.

نه؟ قرار است قوتی باشد برای پلتفرم‌های نوظهور یا تقویت صنعت کنونی؟ آیا نهاد ناظر به شفافیت پلتفرم‌ها کمک می‌کند یا قرار است مانند برخی سندهای دیگر با توافقات پشت پرده از بیان بسیاری از اعداد و ارقام پرهیز شود. آیا موضوع نیم‌بها شدن سهم دولت و ارزان شدن ترافیک داخلی اجرا می‌شود یا آن هم مانند مسئله نیم‌بها شدن ترافیک داخلی به فراموشی سپرده می‌شود. باید دید نتیجه این رایزنی‌ها به کجا خواهد رسید و آیا قانون‌گذار در نظارت همین قدر جدی است یا سند تسهیم هم به مانند اسناد هم‌دست‌اش دچار استحاله خواهد شد.



مادران دوباره نفس می‌کشند!

نفسیه سادات موسوی
شاعر

در جهان سیاست آمارها حرف می‌زنند؛ در جهان جنگ، فرماندهان. اما در جهان زندگی این مادرانند که حقیقت را روایت می‌کنند. حقیقتی که از لایه‌لای گریه‌های شبانه یک کودک، از نگاه‌های نگران مادران و از آوار خانه‌هایی بیرون می‌زند که بارها بر سر امیدها و آینده‌ها فرو ریخته‌اند. من، یک مادرم. مثل هزاران مادر دیگر در این منطقه زخمی از تاریخ. برای من، سیاست از صفحه تلویزیون آغاز نمی‌شود، از چشم‌های فرزندم شروع می‌شود؛ از لرزش صدایش وقتی از اخبار غزه می‌پرسد، از دلهره‌ای که در جانش جا خوش کرده، بی آن که بداند چرا. سال‌هاست که یک نام، یک رژیم، یک ساختار بحران‌ساز، آرامش مادران خاورمیانه را ربوده است: اسرائیل. رژیمی که نه فقط با بمب و تانک که با رسانه، محاصره، دروغ

و روایت‌های جعلی کودکی را به گروگان گرفته است. در دنیای امروز اسرائیل فقط دشمن یک ملت نیست؛ دشمن مادران است، دشمن خیال کودکان است، دشمن زندگی است. از لبنان تا یمن، از عراق تا سوریه، ردپای اسرائیل در ترور، محاصره، جنگ نیابتی و بی‌ثباتی دیده می‌شود. هر مادری که کودکش را با ترس بدرقه می‌کند، هر زنی که صدای پنهان را جای لالایی شنیده، مخاطب این جنایت سیستماتیک است. شاید بسیاری بیرسند؛ اسرائیل چه ارتباطی با زنان و کودکان کشورهای دیگر دارد؟ پاسخ روشن است. ساختار رژیم صهیونیستی با پشتیبانی آمریکا و لابی‌های جهانی، معمار و ضامن تداوم وضعیتی است که در آن نیمی از خاور میانه هرگز رنگ صلح نمی‌بیند. تا وقتی اسرائیل باشد، جنگ هست و تا وقتی جنگ هست مادران نمی‌توانند آسوده بخوابند، کودکان نمی‌توانند خیال‌پردازی کنند. اسرائیل نه فقط خاک فلسطین که فضای تنفسی همه

ما را اشغال کرده است. کودکان ما با تصویر جنگ بزرگ می‌شوند، با صدای آژیر آتشنا می‌شوند و به جای بازی، درباره پناهگاه یاد می‌گیرند. این وضعیت، تنها با مرگ انسان‌ها نیست که ویرانگر است؛ بلکه با کشتن امید، با از بین بردن رؤیاها، با تخریب معنای کودکی فاجعه می‌آفریند. وقتی اسرائیل نباشد، ما زنان از زبان خودمان سخن خواهیم گفت. دیگر نیازی نخواهد بود تا از فیلتر رسانه‌هایی بگذریم که ما را با قربانی بی‌قدرت می‌دانند یا تهدیدی برای تمدن آن روز، قصه ما را دیگر فاکس نیوز و بی‌بی‌سی نمی‌نویسند. از اهواز، از بیروت، از کابل، از دمشق، مادران خود را روایت خواهند کرد. نه صرفاً به‌عنوان مادران شهدا، بلکه به‌عنوان سازندگان فردا. فرهنگ مقاومت که سال‌ها تنها ابزار زنده ماندن بود، آن روز به فرهنگ زندگی تبدیل خواهد شد. مادری که تا دیروز کفن می‌دوخت، حالا لباس عروسی دخترش را خواهد دوخت. دخترانی که تا دیروز باید

بلسد می‌بودند چطور فرار کنند، فردا خواهند آموخت چطور پرواز کنند. در جهانی بدون اسرائیل کودکان ما دوباره نقاشی خواهند کشید؛ اما این بار نه از تانک و پرچم اشغالگر که از درختان زیتون، مدرسه، صلح و رؤیا. ذهن کودکان‌ای که تا دیروز با صدای انفجار آشنا بود جای خود را به دنیایی خواهد داد بر از شعر، رنگ، بازی و آینده. من نه تحلیل‌گرم، نه نظامی، نه دیپلمات. من فقط یک مادرم. اما باور دارم که پایان اسرائیل، صرفاً پایان یک اشغال نیست؛ آغاز یک ناسازی انسانی است. بازسازی مفهوم زن بودن، مادر بودن، کودک بودن در منطقه‌ای که دهه‌هاست این مفاهیم زیر آوار سیاست، تحریم، تحقیر و رسانه دفن شده‌اند. ما مادران لبخند را پس خواهیم گرفت. دوباره قصه خواهیم نوشت و آینده را با دست خود خواهیم ساخت. آینده‌ای که در آن اسرائیل فقط یک سطر کوتاه در کتاب تاریخ است؛ درسی از خطاهای جهان نه نقشه تکرار آن.